



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۴۰۳، دوره ۷، شماره ۲، صص ۳۱۹-۳۰۷

آموزش کارآفرینی رویکردی برای توانمندسازی زنان روستایی

بهمن خسروی پور^{۱*}، مهین اسداله پور^۲

۱. استاد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان b.khosravipour@gmail.com

۲. کارشناس ارشد ترویج کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹

چکیده

از نظر اندیشمندان توسعه روستایی، توسعه کارآفرینی در نقاط روستایی یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های توسعه روستایی است که می‌تواند در رشد و توسعه اقتصادی روستا نقش مهمی داشته باشد. کارآفرینی امروزه به عنوان راهکاری مناسب برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در جوامع روستایی در جهت بهبود زندگی، کاهش شکاف شهر و روستا، ایجاد برابری اقتصاد، اجتماعی، محیطی و نهادی بکار برده می‌شود. در این میان، زنان نقش مهمی به عنوان یکی از گروه‌های تأثیرگذار در جامعه روستایی دارند. آموزش و تقویت کارآفرینی زنان روستایی، راهکاری مؤثر در راستای دو شاخص توسعه، یعنی اشتغال و کاهش بیکاری تلقی می‌شود. توانمندسازی، در طول چند سال اخیر، مقبولیت زیادی داشته است و همچنین کلمه‌ای است که در بحث‌های سیاسی مربوط به توانمندسازی افراد، بکار برده شده است. توانمندسازی فرایندی است که در آن، افراد به سازماندهی خود بپردازند، اعتماد به نفس خود را افزایش دهند و از حقوق خود در ارتباط با انتخاب آزاد و کنترل منابع استفاده می‌کنند. توانمندسازی زنان کارآفرین به عنوان پایه‌های اساسی برای ارتقاء زندگی شغلی و شخصی زنان، مهم به نظر می‌رسد، البته این مقوله نیازمند آموزش‌هایی خصوصاً آموزش‌های کارآفرینانه است و از طریق این آموزش‌ها، مهارت و صلاحیت زنان در راستای کارآفرین شدن افزایش یابد. این مقاله که به روش مروری و با استفاده از منابع مکتوب کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی تهیه شده تلاش دارد با ذکر مفاهیمی از کارآفرینی و اهمیت و جایگاه زنان روستایی در توسعه روستایی، نقش و تأثیر آموزش‌های کارآفرینی در توانمندسازی زنان روستایی را بررسی و راهکارهای لازم را ارائه نماید.

واژگان کلیدی: زنان روستایی، آموزش کارآفرینی، توانمندسازی، توسعه کارآفرینی

هنگامی که زنان بر شرم بی‌مورد خود تسلط پیدا کنند، رفتار و گفتارشان ناشی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد و قدرت مقابله با سختی‌ها را داشته باشند و قادر به ارزیابی صحیح و شناخت دقیق باشند و از استعدادها و توانایی‌های خود برای رسیدن به اهداف خود استفاده کنند و با ارتقاء توانمندی خود در ابعاد مختلف به هدف‌های مورد نظر دست پیدا کنند توانمندسازی زنان معنی پیدا می‌کند (طباطبایی و روایی، ۱۳۸۹). بسیاری از سازمان‌های توسعه بین‌المللی، از جمله سازمان ملل متحد توانمندسازی زنان را به عنوان یک عامل کلیدی در کاهش شکاف‌های جنسیتی و در راستای توسعه روستایی مدنظر قرار داده‌اند (Diirro et al, 2018). در عصر حاضر، فراهم کردن زمینه‌های تازه برای مشارکت بیشتر زنان و بهره‌گیری جدی‌تر از قدرت تفکر، ابداع و خلاقیت آنان باید در سرفصل سرمایه‌های مدیریت نوین قرار گیرد (پاسوری و نوروزی‌نژاد، ۱۴۰۰)

کارآفرینی امروزه به عنوان راهکاری مناسب برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در جوامع روستایی در جهت بهبود زندگی، کاهش شکاف شهر و روستا، ایجاد برابری اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی بکار برده می‌شود همچنین کارآفرینی ابزاری مهم برای رسیدن توسعه پایدار به حساب می‌آید (یعقوبی‌فرانی و همکاران، ۱۳۹۳). کارآفرینی یکی از مؤلفه‌های مهم اقتصادی برای جهان است. نقش و اهمیت بخش کارآفرینی در اقتصادها را نمی‌توان نادیده گرفت. کارآفرینی می‌تواند به عنوان بستری برای توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور عمل کند (ولش^۱ و همکاران، ۲۰۱۸) در این میان، زنان نقش مهمی به عنوان یکی از گروه‌های تأثیرگذار در جامعه‌ی روستایی دارند، از این رو توانمندسازی زنان روستایی از طریق کارآفرینی راهکاری موثر در جهت دو شاخص توسعه، یعنی افزایش اشتغال و کاهش بیکاری بحساب می‌آید. در واقع تقویت کارآفرینی زنان روستایی از نظر معقولانه بودن، انسانی بودن، و سازگارتر بودن با محیط زیست اهمیت زیادی دارد (حیدری ساربان، ۱۳۹۱). توجه به نقش زنان و بحث‌های جنسیتی و شناسایی و محرک‌های مؤثر بر توانمندسازی زنان در راستای توسعه در نواحی روستایی می‌تواند تأثیر مهمی در فرآیند توسعه و اتخاذ سیاست‌های مربوطه داشته باشد (تاراسی و همکاران، ۱۳۹۸). زنان کارآفرین سهم قابل توجهی در رشد اقتصادی و توسعه ملی و جهانی دارند (yilmaz & oraman, 2012). در کشور ما به اهمیت کارآفرینی زنان بیش از پیش توجه می‌شود، به طوری که مطابق گزارش سال ۲۰۱۸ سازمان دیده‌بان کارآفرینی جهانی، ایران در زمینه کارآفرینی و همچنین کارآفرینی زنان رشد مطلوبی داشته است (شهامت‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹). آموزش کارآفرینی فرایندی دارای نظم می‌باشد که به طور آگاهانه انجام می‌پذیرد که در طی آن افرادی که کارآفرین نیستند ولی دارای استعداد بلقوه ه به صورتی خلاق تربیت می‌شوند در واقع این نوع آموزش، فعالیتی به شمار می‌آید که برای انتقال دانش و اطلاعات

¹ welsh

مورد نیاز برای شروع و اداره‌ی کسب و کار از آن استفاده می‌شود و افزایش، بهبود و ارتقاء نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد غیرکارآفرین خواهد شد (سعیدی‌مهرآباد و مهدی، ۱۳۸۷). بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که یکی از عمده‌ترین عوامل تعیین‌کننده سطح کارآفرینی در هر کشوری، آموزش کارآفرینی می‌باشد (والریو^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین جامعه‌ای که خواهان رشد و شکوفایی است باید موانع موجود بر سر راه کارآفرینی زنان را به حداقل برساند. زیرا که کارآفرینان زن در عصر حاضر بطور بالقوه انگیزه یافته‌اند که برای بهبود شرایط زندگی خانواده، سهمی بودن در تولید درآمد به همراه همسرانشان، تأمین آموزش کافی برای فرزندان، ایجاد فرصت‌های شغلی، توانمندسازی زنان دیگر و رهایی جامعه از بیکاری و نابرابری فعالیت کنند (خسروی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸).

زنان روستایی و کارآفرینی

زنان به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی که تحت تاثیر کیفیت زندگی و همچنین موثر بر آن هستند. این گروه اجتماعی که با گروه‌های اجتماعی جامعه ارتباط موثری دارند، علاوه بر وظایف خود و خانواده نقش مهمی را در پیشرفت‌های اجتماعی ایفا می‌کنند. در فعالیت‌های اجتماعی، زنان جایگاه حساسی دارند. آموزش زنان و مشارکت آنان در توسعه‌ی کشور دارای نقش مهمی است و تقریباً نیمی از جمعیت شاغلین را زنان تشکیل می‌دهند. بزرگترین گروه محرومان جهان، زنان می‌باشند بنابراین برنامه‌ریزان و کارشناسان باید سعی کنند این محدودیت‌ها و محرمیت‌ها را کاهش دهند و زنان روستایی را در جهت برابری اقتصادی و اجتماعی سوق دهند و این امر امکان‌پذیر نخواهد شد مگر با توسعه‌ی مهارت‌های کارآفرینی (زراعت‌پیشه و همکاران، ۱۳۹۴).

کارآفرینی و اشتغال زنان روستایی علاوه بر افزایش درآمد خانواده، به واسطه کاهش اختلاف و شکاف موجود بین خانوارهای شهری و روستایی، صرفه‌جویی در هزینه‌های تولید محصولات زراعی و دامی، بهبود وضعیت سواد و بهداشت خانواده، تأمین هزینه‌های خانوار به عنوان سرپرست و نیز کاهش مهاجرت به شهرها می‌تواند زندگی روستایی و در نتیجه کل جامعه را تحت تاثیر قرار دهد (یعقوبی‌فرانی و همکاران، ۱۳۹۳). کارآفرینی زنان و توانمندسازی آنان به منزله مهم‌ترین ابزار برای ریشه‌کنی فقر و بیکاری مورد توجه قرار گرفته است (یاسوری و نوروزی‌نژاد، ۱۴۰۰). توسعه کسب و کار و کارآفرینی زنان روستایی، راهکاری مناسب در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی با هدف تغییر الگوی زندگی کنونی به الگوی مطلوب و شایسته انسانی (cobb.Btal, 2016)، ایجاد و برابری اقتصادی، اجتماعی، نهادی، آموزشی و فرصت کسب و کار است (sharma, 2016). در جامعه امروزی که مقوله کارآفرینی به سرعت در حال گسترش است. زنان نقش مهم و رو به گسترشی در زمینه توسعه کسب و کار ایفا کرده‌اند، به گونه‌ای که در سال‌های اخیر، سهم زنان در کسب و کارهای خصوصی و غیردولتی

¹ valerio

رویه رو به رشدی طی کرده است (سیدطباطبائی و فاطمی، ۱۴۰۲). البته در حال حاضر مشکلات زیادی پیش روی زنان روستایی وجود دارد که توسعه کارآفرینی را رد بین آنها با چالش مواجه می‌سازد. در این زمینه می‌توان به عدم دسترسی به سرمایه کافی، عدم آگاهی از منابع بالقوه، محدودیت‌های مبتنی بر جنسیت و محدودیت‌های فرهنگی، دسترسی محدود به بازارهای جدید و عدم اطلاع از بازار، عدم دسترسی به شبکه‌های حمایتی، عدم دانش فنی و شغلی و ... اشاره کرد (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۱).

توانمندسازی زنان

نظریه توانمندسازی بر این نکته تأکید دارد که زنان، نه تنها باید نابرابری‌های موجود ساختارهای مولد نابرابری را در سطوح گوناگون و همزمان زیر سؤال برده و با آن مبارزه کنند. بر اساس نظریه‌های اندیشمندانی همچون کونگر^۱ (۱۹۸۸) و لانگه^۲ (۱۹۹۱)، توانمندسازی یک مفهوم انگیزشی است و به عنوان فرآیندی تصور می‌شود که بر اساس آن افراد بر احساس ناتوانی، کمبود منابع و خودمختاری محدود برای دستیابی به کنترل زندگی خود غلبه می‌کنند (احسانی‌فر و همکاران، ۱۴۰۱).

توانمندسازی از پیش شرط‌های رسیدن به توسعه پایدار در جوامع بشری به حساب می‌آید. توانمندسازی، در طول چند سال اخیر، مقبولیت زیادی داشته است. رابطه‌ی تنگاتنگی با بهبود مستمر، افزایش صلاحیت، تغییر در رفتار و بهبود عملکرد زنان در مطالعات مربوط به توانمندسازی نشان داده شده است (طباطبایی و روایی، ۱۳۸۹).

ارائه تعریف کافی و جامع درباره توانمندسازی دشوار است. کلمه **empowerment** در فارسی بیشتر، توانمندسازی ترجمه و واژه **power** یا قدرت موجود در آن کمتر دیده شده است. در صورتی که در کلمه توانمندسازی، قدرت مفهوم کلیدی دارد و ایده‌ی قدرت در واقع هسته‌ی مفهوم توانمندسازی می‌باشد به عبارتی دیگر توانمندسازی به معنای قدرت بخشیدن است؛ به این معنی است که این امکان به افراد داده شود تا احساس اعتماد به نفس خود را بالاتر ببرند و بر احساس ناتوانی چیره شوند. به عبارت دیگر، در فرد توانمند اشتیاق کار و فعالیت بوجود آید و برای انجام وظایف براساس انگیزه درونی عمل کنند (ابوالفتح زاده و همکاران، ۱۳۹۵). برای توانمند سازی صاحب نظران تعاریف متفاوتی را ارائه داده‌اند که به برخی از این تعاریف اشاره می‌شود:

1 Conger

2 Lowngwe

توانمندسازی عبارت است از توسعه و گسترش قابلیت و شایستگی افراد برای نیل به بهبود مستمر در عملکرد سازمان. توانمندسازی عبارت است از آزاد کردن نیروی درونی افراد برای کسب دستاوردهای شگفت‌انگیز (سعیدی‌پور و محمدی‌پور، ۱۳۹۹).

قنبری و انصاری (۱۳۹۴) توانمندسازی را "فرایند قدرت بخشی به افراد است، که بر انتخاب‌های خود تسلط پیدا می‌کنند و باعث افزایش سرمایه‌های شخصی و اجتماعی می‌شود" تعریف کرده‌اند.

در تعریفی دیگر از رضایی مقدم و نعمت‌پور (۱۳۹۳) "توانمندسازی فرایندی است که در آن، افراد به سازماندهی خود بپردازند، اعتماد به نفس خود را افزایش دهند و از حقوق خود در ارتباط با انتخاب آزاد و کنترل منابع استفاده می‌کنند". توانمندسازی فرایندی است که به واسطه آن افراد بر امور کارهایشان تسلط بیشتری می‌یابند و با کسب قدرت بالا، کنترل بر منابع، اعتمادسازی، ظرفیت‌سازی و مشارکت فعال قادرند مسیر زندگی‌شان را هدایت کنند (Rifkin, 2003). توانمندسازی عبارت است از توزیع قدرت تصمیم‌گیری بین افرادی که آن را در سازمان ندارند (Foy, 1997). به نقل از صوفی و رضایی، (۱۳۹۴).

یافته‌های پژوهش عبادی و جهان تیغی (۱۳۹۵) بیانگر آن است که دوره‌های آموزشی توانمندی زنان را از جنبه‌های مختلف، افزایش قدرت، توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب، افزایش قدرت دانش و آگاهی، افزایش قدرت اتکا به خود و افزایش قدرت انجام کار با روش‌های بهتر افزایش داده است. عوامل مختلفی در فرایند توانمندسازی زنان دخالت دارند. در جامعه روستایی ابعادی چون توانمندی اقتصادی و اجتماعی و روانی، بیشتر از ابعاد دیگر اهمیت دارند که در این میان قابلیت‌ها و ویژگی‌های زمینه‌ای افراد، دارای نقش و اهمیت خاصی است (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶، به نقل از تاراسی و همکاران، ۱۳۹۸).

توانمندسازی زنان روستایی ابعاد مختلفی دارد که عبارتند از: عوامل اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، قانونی و روانشناختی. حمایت خانواده‌ها، داشتن پشتوانه مالی و اطلاع رسانی به موقع در بهتر برگزار شدن کلاس‌های آموزشی که خودباوری را در زنان تقویت می‌کند (قنبری و انصاری، ۱۳۹۴). Saradha, 2001 در پژوهش خود در پاکستان نشان داد که آموزش، مشارکت اجتماعی، ظرفیت‌سازی و استفاده از رسانه‌های جمعی با سطوح توانمندسازی زنان روستایی ارتباط معناداری دارند (ابوالفتح‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین اگر توانمندسازی زنان به صورت اصولی و با قاعده کلی انجام گیرد نقش تعیین‌کننده‌ی آنان در جامعه و خانواده بیشتر می‌شود. براین اساس توانمندسازی زنان نه تنها به نفع زنان بلکه به نفع کل خانواده خواهد بود (جلیلیان و سعیدی، ۱۳۹۵).

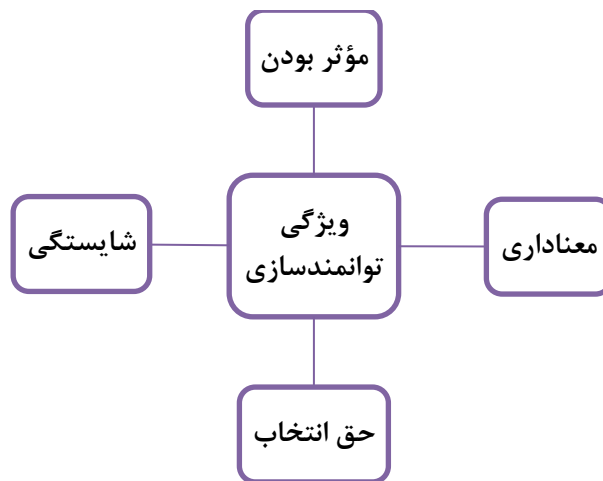
موانع توانمندسازی زنان

موانع فرهنگی: شامل نگرش جامعه به زنان در نقش جنس دوم و بی توجهی به توانمندیهای آنها، در اختیار نگذاشتن منابع در دسترس زنان و در نهایت؛ میزان خودباوری پایین.

موانع اقتصادی: پایین بودن مشارکت اقتصادی زنان، نبود فرصت‌های اشتغال مناسب و هدایت شده در بخش رسمی اقتصاد.

موانع اجتماعی: کم‌سواد و بی‌سواد زنان (ابوالفتح زاده و همکاران، ۱۳۹۵).

نظریه پردازان معتقدند که توانمندسازی موضوعی چندوجهی است و نمی‌توان آن را صرفاً بر پایه یک مفهوم خاص بررسی کرد. در همین راستا ذکر کرده‌اند که توانمندسازی در یک مجموعه از ویژگی‌های شناختی بشری زیر متجلی می‌شود: (صوفی و رضائی، ۱۳۹۴).

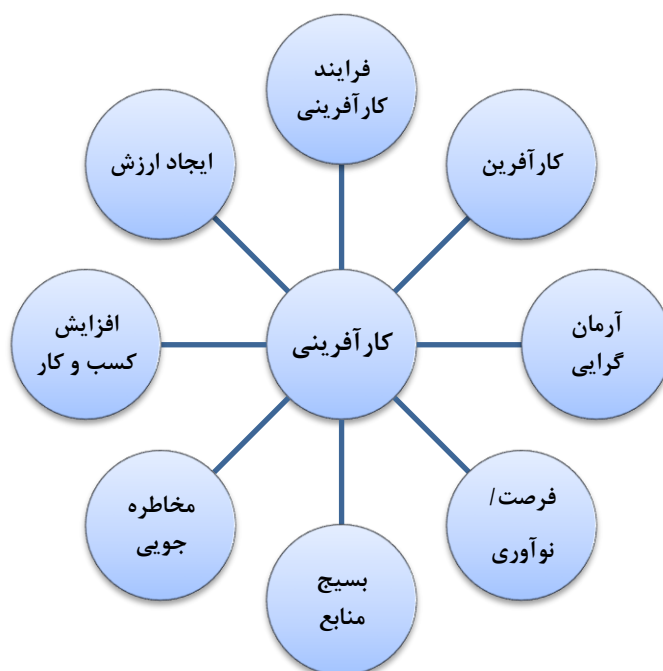


شکل ۱- ویژگی توانمندسازی (صوفی و رضائی، ۱۳۹۴)

کارآفرینی

واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی "Enterperndre" به معنای متعهد شدن نشأت گرفته است. کارآفرینی فرآیند خلق چیز نوپا و با ارزش، با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش ریسک‌های مالی، روحی و اجتماعی برای به دست آوردن منافع مالی، رضایت شخصی و استقلال است (خسروی پور و همکاران، ۱۳۹۵). بطور کلی کارآفرینی را می‌توان فرآیندی پویا نامید که با بهره‌گیری از نیرو و انگیزه افراد در جهت خلق و اجرای ایده‌های نو حرکت می‌کند

(Kuratko et al. 2007). امروزه مهارت تاثیر زیادی در انجام بهتر و بهینه کارها، ایجاد رضایت‌مندی و افزایش انگیزه در افراد می‌شود که در نتیجه توسعه منابع انسانی و افزایش بهره‌وری را موجب می‌شود و یکی از این زیرساخت‌های مهم کارآفرینی می‌باشد (زراعت پیشه و همکاران، ۱۳۹۴). کارآفرینی عبارت است از کشف و بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری مناسب برای خلق ثروت اجتماعی (ساندین، ۲۰۱۱) و کارآفرین کسی است که ریسک کردن و به اجرا درآوردن و مدیریت کردن مالکیت یک کار و فعالیت اقتصادی را می‌پذیرد (حسینی‌نیا و موسوی، ۱۳۹۷). با توجه به تعاریف و مفاهیم مختلفی که طی سالهای متمادی از کارآفرینی توسط محققان بیان شده، می‌توان کارآفرینی را بصورت مفهومی در شکل (۲) نشان داد.



شکل ۲- مفهوم کارآفرینی (خسروی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵)

دولت‌ها و موسسات آموزشی و شرکت‌ها سعی بر این دارند که نیروهای کارآفرین‌شان را توسعه بخشند بنابراین، ضرورت آموزش کارآفرینی هیچ زمانی مثل امروز احساس نمی‌شود. آموزش کارآفرینی فرایندی آگاهانه و هدف‌دار و نظام‌مند می‌باشد و در طول آموزش از طریق دانش، اطلاعات مورد نیاز به کسانی که دارای ظرفیت کارآفرینی هستند کمک می‌شود تا مهارت‌ها و ویژگی‌های مورد نیاز برای کارآفرینی را بدست آورند. هدف از آموزش کارآفرینی، تربیت کردن افرادی که خلاق، نوآور و متکی به خود است که به راه‌اندازی یک کسب و کار مستقل تمایل دارند (زراعت پیشه و همکاران، ۱۳۹۴). کارآفرینی به عنوان یکی از شقوق توسعه روستایی و بازمهندسی ساختار اقتصاد

روستا تلقی می‌شود، زیرا کارآفرینی با خلق فرصت‌های جدید اشتغال و درآمد، نوآوری و ایجاد رفاه، نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی روستاها خواهد داشت (خسروی پور و همکاران، ۱۳۹۵). یکی از عوامل مؤثر در توسعه روستایی کارآفرینی است، زیرا کارآفرینی می‌تواند با خلق فرصت‌های اشتغال و درآمد، نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی روستاها داشته باشد. در واقع کارآفرینی به عنوان یک نیروی پویا به مثابه یکی از عناصر کلیدی توسعه پایدار روستایی، بطور اعم و توسعه اقتصادی بطور اخص مورد توجه قرار می‌گیرد (خسروی پور و همکاران، ۱۴۰۲)

زراعت پیشه و همکاران (۱۳۹۴) کارآفرینی را اینگونه بیان کردند که "فرایند نوآوری و استفاده از فرصت‌ها با تلاش و پشتکار زیاد و با انگیزه توفیق‌طلبی رضایت شخصی و استقلال انجام می‌گیرد".

وضعیت کارآفرینی زنان در کشور این مطلب را نشان می‌دهد و با وجود اینکه نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل داده‌اند، سهم آنها در فعالیت‌های اقتصادی کشور فقط ۱۶/۵ درصد می‌باشد، و این امر بیان می‌کند که زنان در مسیر کارآفرینی با تهدیدها و موانع زیادی مواجه می‌باشند (علیدوست و لشکرآرا، ۱۳۹۲). از جمله موانع کارآفرینی زنان روستایی می‌توان به "درون گرایی، انعطاف‌پذیری و ثبات در برابر تغییرات، عدم تمایل به ریسک‌پذیری در قالب فعالیت‌های کارآفرینی، ناآشنایی از عدم پذیرش و تشویق و نیز تامین مالی کشاورزان، عدم پاسخ سریع به ایده‌ها و پیشنهادها، فقدان سیستم پیشنهادها، عدم دسترسی به اطلاعات موثق و شفاف، فقدان ظرفیت‌سازی، فقدان توانمندسازی، فقدان تسریع رشد از طریق تحرک بخشی نهفته، فقدان دسترسی زنان به اعتبارات و خدمات حمایتی، پایین بودن سطح تحصیلات" اشاره کرد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۳).

توانمندسازی زنان روستایی با آموزش کارآفرینی

مسئله آموزش کارآفرینی در توانمند شدن به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار مطرح بوده است. آموزش کارآفرینی می‌تواند منجر به شناساس فرصت‌های کارآفرینی، جمع‌آوری منابع کمیاب و در نتیجه اشتغال شود (احسانی فر و همکاران، ۱۴۰۱).

یکی از اهداف توسعه هزاره سوم، توانمندسازی زنان روستایی می‌باشد. استفاده از توانایی‌ها و استعدادها، زنان برای بهره‌گیری حداکثر از نیروی انسانی جوامع، نیازمند شناخت دقیق و علمی فعالیت‌های آنان می‌باشد. در جوامع در حال توسعه، نیمی از جمعیت در روستاها به سر می‌برند که از این تعداد بخش زیادی را زنان تشکیل می‌دهند (قنبری و انصاری، ۱۳۹۴).

بیشتر برنامه‌های آموزشی - ترویجی برای مردان می‌باشد و زنان در اکثر اوقات فراموش شده‌اند. تا وقتی که زمینه‌ای برای افزایش توانایی‌هایی زنان روستایی فراهم نشود و آنان به مرتبه‌ای از توانمندی در تسلط بیشتری بر منابع و بدست آوردن منافع در راستای خوداتکایی قابل قبول و مشارکت در تصمیم‌گیری نرسد، نمی‌توانند به جایگاهی که در شان منزلت انسانی آنهاست، دست یابند (رضایی مقدم و نعمت پور، ۱۳۹۳).

کارآفرینی زنان عبارت است از فعالیت زنانی که در زمینه خوداشتغالی مشارکتی، خوداشتغالی مستقل، کارآفرمایی و کسب و کارهایی با مالکیت انحصاری انجام می‌پذیرد (علیدوست و لشکرآرا، ۱۳۹۲). خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی از ارکان اصلی توسعه پایدار هستند، علاوه بر این، کارآفرینی می‌تواند با ارتقای دانش و ظرفیت‌های علمی زنان، آنان را توانمندسازند و با آموزش اصول توسعه مشارکتی و پرورش اعتماد به نفس، به آنها خدمت مؤثری نمایند، زیرا امروزه زنان خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان، منشا تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی در عرصه جهانی شده‌اند و نقش آنان به عنوان موتور توسعه اقتصادی و صنعتی، محرک و مشوق سرمایه‌گذاری، عامل ایجاد اشتغال، گزینه اصلی انتقال فناوری و عامل رفع خلل و تنگناهای بازار در ج.امع تبیین یافته است (طوطیان و همکاران، ۱۴۰۰). صوفی و رضائی (۱۳۹۴) در پژوهش خود بیان می‌دارند که میزان توانمندی زنان به صورت چشم‌گیری تحت تأثیر آموزش‌های کارآفرینی قرار دارد. توجه به توانمندسازی زنان کارآفرین به عنوان سازوکاری برافزایش زندگی کاری و شخصی زنان لازم و ضروری به نظر می‌رسد که این امر مستلزم آموزش‌هایی در این زمینه می‌باشد به نحوی که از طریق این آموزش‌ها، مهارت‌ها و صلاحیت زنان کارآفرین افزایش پیدا کند و سبب اثربخشی هر چه بیشتر زنان کارآفرین در خانواده، کسب و کار و جامعه شود (محمدی و لشکرآرا، ۱۳۹۲). آموزش و برگزاری دوره‌های آموزشی به ویژه آموزش‌های تخصصی و فنی و حرفه‌ای تأثیر مستقیمی در توسعه کارآفرینی بین زنان روستایی دارد. به سبب توسعه کارآفرینی و افزایش زنان کارآفرین، میزان مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی تقویت شده و این مسأله باعث افزایش توانمندی‌های زنان روستایی خواهد شد (موحدی و سلیمانیان بروجنی، ۱۳۹۵). توسعه کارآفرینی و توانمندسازی زنان روستایی مکمل یکدیگر بوده و باعث قدرت بخشی به زنان در فعالیت‌های مختلف کارآفرینی اعم از اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود (گلکارفرد و رضایی مقدم، ۱۳۹۸). با توجه به مطالب ذکر شده و نتایج مطالعات انجام شده می‌توان عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی را در قالب شکل (۳) نشان داد که نقش آموزش کارآفرینی را در این راستا نشان می‌دهد.



شکل ۳- عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آموزش کارآفرینی ابزاری برای ارتقای توانمندسازی زنان روستایی است. بنابراین، برای تقویت بیشتر کارآفرینی زنان روستایی و در راستای توانمندسازی آنان، شناخت موانع پیش‌روی کارآفرینان و عوامل مؤثر بر آن در بین زنان روستایی اهمیت زیادی دارد. و تلاش برای رفع این موانع و تقویت عوامل مؤثر بر آن یک ضرورت است تا در این راستا بتوان از آموزش‌های کارآفرینی مناسب با روحیات و استعداد‌های زنان بهره برد. توصیه می‌شود که آموزش‌های کارآفرینی از سوی سازمان‌های دولتی و غیر دولتی به صورت برگزاری کلاس‌های آموزشی در راستای ایجاد انگیزه و کسب دانش و مهارت بیشتر در زنان روستایی صورت بگیرد حمایت‌ها و اعتبارات اولیه برای شروع فعالیت‌های کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کار کوچک در اختیار آنان قرار گیرد. همچنین می‌توان از زنان کارآفرین موفق دعوت کرد و نسبت به برگزاری دوره‌های هم‌اندیشی در راستای برانگیختن هر چه بیشتر زنان روستایی و ایجاد انگیزه در آنان و همچنین تلاش برای شکل‌گیری تعاونی زنان روستایی نیز پیشنهاد می‌شود.

منابع

۱. ابوالفتح زاده، زهرا. یوسفی، علی. امینی، امیرمظفر. (۱۳۹۵). ارزیابی عوامل موثر در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان اصفهان. پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره ۱، صص ۲۷-۱.
۲. احسانی فر، تهمنه؛ محمدی الیاسی، قنبر؛ شاهمرادی، مهناز. (۱۴۰۱). توانمندسازی زنان روستایی از طریق آموزش کارآفرینی؛ مرور سیستماتیک، مجله پژوهش‌های کارآفرینی و نوآوری، دوره اول، شماره ۱، صص ۲۷-۱۱.
۳. تاراسی، زهرا؛ کریم‌زاده، حسین؛ آقایی هیر، محسن. (۱۳۹۸). بررسی عوامل و محرک‌های مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان زنجان)، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال نوزدهم، شماره ۵۴، صص ۲۵۷-۲۳۷.
۴. جلیلیان، سارا و سعدی، حشمت‌اله. (۱۳۹۵). نقش توانمندسازی زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان اسلام‌آباد غرب). فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۶، شماره ۱، صص ۲۱-۲۳.
۵. جمشیدی، علی‌رضا. جمینی، داود. نظری سرمازه، حمید. (۱۳۹۳). بررسی عوامل پیش‌برنده و بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی: زنان روستایی بخش میان‌کوه شهرستان اردل)، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال پنجم، شماره ۱، صص ۱-۱۰.
۶. حسینی‌نیا، غلامحسین و موسوی، سیدشمس‌الدین. (۱۳۹۷). آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها، روش‌ها و چالش‌ها، فصلنامه آموزش عالی، سال ۱۱، شماره ۴۱، صص ۸۸-۵۹.
۷. حیدری ساریان، وکیل. (۱۳۹۱). اولویت بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی با روش AHP. مطالعات زنان، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱۷۷-۱۵۹.
۸. خسروی‌پور، بهمن؛ اسداله‌پور، مهین؛ فرندپور، ناهید. (۱۴۰۲). بررسی و تحلیلی فرصت‌های کارآفرینانه در روستاها، فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۶، شماره ۶، صص ۴۰-۲۳.
۹. خسروی‌پور، بهمن؛ برادران، مسعود؛ عابدی، بهاره. (۱۳۹۵). آموزش کارآفرینانه در توسعه روستایی، انتشارات تحقیقات آموزش کشاورزی (تاک)، تهران، چاپ اول.
۱۰. خسروی‌پور، بهمن؛ سلیمانی، خدیجه؛ آئی، نادیا. (۱۳۹۸). موانع کارآفرینی زنان روستایی بخش مرکزی استان کرمانشاه، مجله تعاون و کشاورزی، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۱۵۱-۱۳۳.
۱۱. رضایی‌مقدم، کورش و نعمت‌پور، لیلا. (۱۳۹۳). فعالیت در شکل‌های تولید ورمی کمپوست، راهکاری برای توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: استان فارس). فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۷، شماره ۳، صص ۸۳-۱۰۳.

۱۲. زراعت پیشه، زینب. شفیعی، محمدجعفر. سادات موسوی زاده، فاطمه. صمیمی، خدیجه. کنعانی دوست، بهمن. (۱۳۹۴). بررسی نقش مهارت‌های کارآفرینی در توسعه‌ی اشتغال زنان روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان کازرون).
۱۳. سعیدی مهرآباد، محمد و مهتدی، محمدمهدی. (۱۳۸۷). تاثیر آموزش کارآفرینی بر توسعه‌ی رفتارهای کارآفرینانه (مطالعه موردی: آموزش‌های کارآفرینی وزارت کار و امور اجتماعی). فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره ۲، صص ۷۳-۵۷.
۱۴. سعیدی پور، بهمن و محمدی پور، عباس. (۱۳۹۹). بررسی مدل‌ها و الگوهای توانمندسازی نیروی انسانی در سازمان‌ها، فصلنامه پژوهشنامه مدیریت و مهندسی صنایع، دوره دوم، شماره ۲، صص ۵۵-۴۱.
۱۵. سید طباطبایی، زهرا و فاطمی، مهسا. (۱۴۰۲). واکاوی اثرات راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک و متوسط زنان روستایی (مورد مطالعه: شهرستان مرودشت، استان فارس) فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۲۲۹-۲۰۸.
۱۶. شهامت نژاد، مینا؛ ضیاء، بابک؛ اشرفی، مجید؛ آزما، فریدون. (۱۳۹۹). طراحی مدل توسعه کارآفرینی شهری زنان سرزرت خانوار (مطالعه موردی: شهر تهران)، دو فصلنامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، دوره هشتم، شماره یک، صص ۱۴۸-۱۲۳.
۱۷. طباطبایی، شهناز و روایی، فریبا. (۱۳۸۹). اثر بخشی آموزش‌های کارآفرینی و روانشناختی بر توانمندسازی شهروندان. فصلنامه مشاوره‌ی شغلی و سازمانی، دوره‌ی دوم، شماره ۵.
۱۸. طوطیان، صدیقه؛ بیاناتی، ماه منیر؛ جلالی، علی. (۱۴۰۰). شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های فناوری ارتباطات در راستای توانمندسازی زنان کارآفرین در کسب و کار. فصلنامه رهیافتی در مدیریت بازرگانی، دوره دوم، شماره ۴، صص ۴۹-۳۲.
۱۹. علی میری، مصطفی. (۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی: پیدایش، توسعه، گرایش‌ها و چالش‌ها. فصلنامه توسعه‌ی کارآفرینی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۳۳-۱۶۹.
۲۰. علیدوست، سمیه و لشگرآرا، فرهاد. (۱۳۹۲). موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان گرمسار). مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ششم، شماره ۱، پیاپی ۲۱.
۲۱. قاسمی، مریم؛ شیرمحمدی، محبوبه؛ احمدی، سودابه. (۱۴۰۱). استراتژی‌های توسعه کارآفرینی در بین زنان روستایی با استفاده از ابزارهای برنامه‌ریزی استراتژیک (مطالعه موردی: بخش نصرآباد شهرستان تربت جام)، فصلنامه توسعه کارآفرینی، دوره پانزدهم، شماره ۲، صص ۳۲۰-۳۳۰.

۲۲. قنبری، یوسف و انصاری، رحیمه. (۱۳۹۴). شناسایی و تبیین عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان رستم). مجله‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۴، شماره‌ی ۳، شماره‌ی پیاپی ۱۱.

۲۳. محمدی، زهره و لشگرار، فرهاد. (۱۳۹۲). نقش آموزش کارآفرینی در توانمندسازی زنان کارآفرین روستایی استان ایلام. مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۲۲.

۲۴. یاسوری، مجید؛ نوروزی‌نژاد، معصومه. (۱۴۰۰). فراتحلیل کیفی ابعاد توسعه کارآفرینی زنان روستایی، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره نوزدهم، شماره ۱، صص ۴۱-۲۱

۲۵. یعقوبی‌فرانی، احمد. سلیمانی، عطیه. موحدی، رضا. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل موثر بر کارآفرینی زنان روستایی. مطالعات زنان، سال ۱۲، شماره ۴، صص ۴۲-۷.

26. Diiro, G.M., Seymour, G. Kassie, M. Muricho, G and Muriithi, B. W. (2018). Women's empowerment in agriculture and agricultural productivity: Evidence form rural maize farmer household in western Kenya. 13(5).
27. Rifkin, S.B. (2003). A framework linking community empowerment and health equity: It is a matter of CHOICE. Journal of Health population and Nutrition. 21(3).
28. Sharma, D. (2016). Nekus between financial Inclusion and economic growth: ecidence from the emerging Indian ecocomy. Journal of financial Economic policy, Vol &, No.1.
29. Valerio, A., parton, B., & Robb, A. (2014). Entrepreneurship Education and training programs around the world: Dimensions for success, Directions in Development. Washington, DC: world bank.
30. Welsh, D.H., kaciak, E., & shamah, R. (2018). Determinants fo women entrepreneurs' firm performance in a hostile environment. Journal of Business Research, 88, 481-491
31. Yilmaz, E., & Oraman, y. (2012). Women enterpreneurs: their problems and entrepreneurial ideas. African journal of Business Management, 6(2).